



تاریخ: ۲۰۱۳/۱۰/۰۳



میر عنایت الله سادات

اوضاع سردرگم

میخواستیم وضع جاری در افغانستان و آینده آنرا با استفاده از کلمه "نامعلوم" تعریف کنیم، ولی متوجه شدم که چنین افاده، معرف وضع کنونی جامعه ما و آینده آن شده نمی تواند. لذا آنرا کنار گذاشته و اصطلاح "سردرگم" را که بمعنی "درهم و برهم"، "بهم پیچیده"، "سرگردان" و "حیران کننده" است، قرین به واقعیت یافتیم. چون هر پدیده "نامعلوم" دریک جامعه می تواند در صورت که عوامل پیدایش آن شناسایی شوند، قابل شناخت گردند. ولی در رابطه به وضع جاری در افغانستان این امکان صعب الحصول است. زیرا عوامل عمده ناهنجاریها و بحران در افغانستان، خارج از سرحدات آن قرار داشته و افغانها به شناخت دقیق آن دسترسی ندارند؟ و یا اگر برخی ازین عوامل از داخل هم نشأت کند، امکان مرفوع ساختن آن در دست ملت افغان نیست. همینطور شماری از عوامل و انگیزه ها در تحت پوشش استخباراتی جناح های رقیب جهانی و منطقوی قرار دارند. به همین ملحوظ، هر نوع سعی و تلاش بخاطر شناخت و تشخیص آن به یک نتیجه قابل قبول منتهی نمی شود.

آگاهان زیادی همه روزه، بر یکتعداد عوامل بحران آفرین انگشت انتقاد می گذارند و از ورای رسانه ها، بخاطر رفع آن تاکید میورزند. درلابلای گفته های آنها به آن عده عواملی بیشتر اشاره می شود که تحت کنترل درآوردن و اصلاح آن در ید توانای دولت می باشد. اما دولت درین رابطه، مکلفیت خود را جدی نگرفته و به غیراز ابرازیک سلسله اظهارات، هیچ گام عملی را در آن راستا بر نمی دارد. چونکه فساد اداری بر سرپای دولت سایه افکنده است و این فساد توانایی های دولت را تضعیف نموده و نه تنها مانع هر نوع اقدام می شود، بلکه به بحرانات موجود، عمق و ابعاد تازه میدهد.

باید افزود که نه درساختار دولت، یک میکانیزم اصلاح خودی وجود دارد و نه مردم، نیروی مبارزه قاطع علیه فساد را دارند. بناءً وضع، همچنان "سردرگم" باقی میماند.

مثال های از سردرگمی های ویران کن:

وقتی که اعتراضات بخاطر عدم محافظت داریی های عامه بالا میگیرند. دولت فهرست زمین های غصب شده را ارائه کرده و محاکمه قریب الوقوع غاصبان و استرداد املاک مردم و دولت را وعده می دهد. اما پس از چندی، مطالب دیگری در سرخط رسانه ها جا گرفته و اعتراضات مردم عمداً به فراموشی سپرده می شود.

سالهاست که دولت، ظاهراً شعار پیاده کردن "سیستم اقتصاد بازار آزاد" را مطرح می نماید، اما حدود و ثغور آن مطابق با منافع ملی افغانها، بوسیله قوانین تنظیم نشده است. اگر قانونی در یکی از بخشهای این عرصه نافذ هم شده باشد، آن قانون نیز بالآخر اعمال نفوذ چپاولگران، بلا تطبیق باقی میماند. به این ترتیب، خود مختار بودن مافیا ها، در زیر نام "سیستم آزاد اقتصادی" زمینه سازی میگردد. کوتاه ساختن دست مافیا و پایان دادن سلطه آنها بر اقتصاد افغانستان، امر مستحیل نیست. اما اینکه چرا دولت و کشور های کمک کننده به چنین هدف نایل نمی شوند؟ سوالی است که جواب آن هنوز هم در پس پرده ابهام باقی می ماند.

زرع و ترافیک مواد مخدر نه تنها در افغانستان، همه ساله جان هزارها انسان را میگیرد، بلکه کشور های دور و نزدیک را نیز به ستوه آورده است. آن کشور های که از این ناحیه آسیب می بینند، پیوسته خواهان اقدامات مؤثر و

د پائو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکني دليکنيزي بني پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

دستجمعی میشوند. اخیراً وزیر داخله روسیه بوجود آوردن یک کمر بند امنیتی مبارزه با مواد مخدر را در اطراف افغانستان مطرح کرد (۱)، ولی اینکه چگونه چنین پیشنهادات جامه عمل خواهد پوشید، خاتمه مستور است.

باری گفته می شود که دولت بخاطر ایجاد محلات کار، پروژه های جدید را روی دست گرفته و کمک های خارجی را در جهت برآورده شدن این مأمول استقامت میدهد. اما پس از چندی هیچ خبری از چنین اقدامات شنیده نمی شود.

ممیزه دیگر "وضع سردرگم" اینست که دولت یک سیاست روشن را در قبال مسایل میرم و حیاتی دنبال نمی کند. یکرروز با مخالفین مسلح از در آشتی و مصالحه رفتار می شود و روز دیگر، آنها را مزدور خطاب کرده و قابل مذاکره و مفاهمه نمی دانند. (۲)

طالبان هنوز نگفته اند که از رژیم دلخواه شان (امارت اسلامی) صرف نظر نموده و به قبول "رژیم جمهوری اسلامی" تن در میدهند. همینطور نمایندگان دولت هم، پذیرش قانون اساسی کشور را بمثابة پیش شرط مذاکرات صلح در برابر طالبان قرار میدهند. واضح است که هر نوع سازش در میان این دو راه انتخاب، به معنی انصراف بخشی از آزادی های مصرح در قانون اساسی کشور است. آیا دولت برای انصراف ازین دست آورد ها آماده است؟

اگر برقراری صلح با طالبان، بالوسيله شرکت شان در انتخابات آینده مدنظر باشد؟ عکس العمل طالبان در برابر چنین توقع، منفی است. زیرا این انتخابات مطابق به قوانین نافذ کشور تدویر میابد و موضعگیری طالبان در برابر قوانین کشور جهات تأییدی ندارد. لهذا می توان گفت که آنها برای شرکت در انتخابات آماده نیستند.

ولی اگر افراد و بخشهای منشعب شده از گروه طالبان با دولت کنار آمده و در انتخابات سهم بگیرند، واضح است که هیچکدام آنها در انتخابات سراسری برای مقام ریاست جمهوری برنده نمی شوند. طالبان به نیکویی میدانند که آنها ترس و هراس در میان مردم ایجاد میتوانند، اما رأی آنها را بدست آورده نمی توانند. این واقعیت، آنها را به مصالحه از طریق انتخابات بی علاقه میسازد.

مبتنی بر همین روحیه، حلقات معین در دولت نیز تلاش میورزند تا به بهانه خراب بودن وضع امنیتی، انتخابات را به تعویق انداخته و با شرکت دادن بخشی از طالبان در یک دولت مؤقت، سهم و نقش خود را نیز در دولت، تضمین و ادامه دهند. آقای کرزی هم که بخاطر ادامه اقتدار خود در مقام ریاست جمهوری، قانوناً در انتخابات آینده شرکت نمی تواند، مانند همکاران خود به تشکیل یک دولت مؤقت علاقمند خواهد.

سوال این است که اگر چنین فرضیه ها جامه عمل بپوشند، نتیجه تمام زحمات و قربانی ها، بخاطر نهادینه ساختن دیموکراسی و حاکمیت مردم، در طاق نسیان گذاشته نمی شود؟

همین حالا رفتن بسوی یک انتخابات شفاف، دستخوش گروه بازی ها شده است. یک روز گروه ها بخاطر تعیین یک کاندید واحد برای مقام ریاست جمهوری کنار هم می آیند و روزی دیگر همبستگی نمایشی شان از هم می پاشد. این وضع نشان میدهد که انتخابات قریب الوقوع به چی سرنوشتی روبرو است.

احصائیه ها نشان میدهد که ۴۰ فیصد جوانان واجد شرایط کار در افغانستان، بدون شغل و دریافت عاید از مدرک کار شان، امرار حیات میکنند. همینطور حدود چهار صد نفر آنها همه روزه به سراغ محل کار در خارج، وطن شان را ترک مینمایند. وضع فعلی بازار کار، علی الرغم سرازیر شدن پولهای هنگفت در دوازده سال گذشته، هیچگونه نسبت و تناسب با پولهای مصرف شده، ندارد.

دوسال قبل رئیس جمهور و بعضی اشخاص بلند پایه از طریق رسانه ها افشاء میکردند که طالبان بوسيله هلیکوپتر های قوای خارجی مستقر در افغانستان، از جنوب به ولایات شمال برده میشوند. در این مورد گفت و گو های زیادی

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

در آنوقت از ورای رسانه ها پخش میشد. اما نتایج آن همه اخبار برای افغانهای که انتظار شنیدن حقایق را داشتند، نا گفته باقی ماند.

پس از حمله تروریستی بر مرکز تجاری آمریکا در نیویارک، شورای امنیت ملل متحد مجوز مبارزه عملی علیه تروریسم را درین گوشه جهان صادر کرد و ۴۸ مملکت بخاطر دفع و طرد آن، واحد های نظامی و امنیتی شان را به افغانستان گسیل داشتند. اما امروز (پس از دوازده سال) آقای جیمز دابنز که نماینده خاص واشنگتن در امور افغانستان و پاکستان است، می گوید: "افغانستان درگیر جنگ داخلی است". کدام یک درست است؟ فیصله آنوقت شورای امنیت ملل متحد که قضیه را یک معضله بین المللی دانسته و همساله تمدید شده است، و یا چنین اظهارات اوپراتیوی که هدف و انگیزه آن مبهم بوده و صرفاً پیرامون آن حدسیات و گمانه زنی ها ابراز می شود.

همینطور گفته می شود که پس از سال ۲۰۱۴ قوت های امریکایی و سایر قوت ها، افغانستان را ترک مینمایند. اما اخیراً آقای کنت ویلز باج که جنرال بلند پایه و معاون نیروهای عملیات هوایی آمریکا در افغانستان است، میگوید: اگر در جنگ علیه تروریسم پیروز هم شویم، نیرو های امریکایی پس از سال ۲۰۱۴ نیز در افغانستان حضور خواهند داشت. مذاکره بر سر اینکه چه تعداد باقی بمانند، جریان دارد.

در عرصه سیاست خارجی، رهبری دولت مشی روشن نداشته و میان مخالف و موافق، فرق نمی تواند. یکبار میگوید: اگر جنگی میان آمریکا و پاکستان بوقوع بپیوندد، ما در کنار پاکستان قرار میگیریم. (iii) اما بار دیگر مسوده قرارداد امنیتی را زیر سوال قرار داده و گفته می شود: این نکته باید صراحت یابد که در صورت حمله یک کشور خارجی به افغانستان (مانند تجاوزات اخیر سرحدی پاکستان)، دولت امریکا بخاطر دفاع آن می شتابد.

برخورد دولت در قبال تجاوزات سرحدی پاکستان، مقطعی و دوگانه است. برخی از کرسی نشینان، اگرچه در خفا آماده سازش با مقامات پاکستانی اند ولی بخاطر افکار عمومی و خواسته های اکثریت افغانها که خط نام نهاد دیورند را باطل میدانند، گاهگاهی تجاوزات پاکستان را محکوم نموده و مردم را بخاطر دفاع از تمامیت ارضی شان تشویق مینمایند.

برعکس آنها، گروههای دیگری وجود دارند که مبتنی بر طرز دید های سمتی، قومی و لسانی، حقایق تاریخی و منافع ملی شان را نادیده گرفته و صحنه گذاشتن بر معاهده منحوس دیورند را ضرور می پندارند. این گروهها از موقع استفاده کرده و رابطه های علنی و پنهانی شان را با نظامیان پاکستانی از سر گرفته اند.

همین ها بودند که دیروز پاکستانی ها، ایشانرا بجان همدیگر شان انداخت و پس از تضعیف آنها بدست خود شان، طالبان را بخاطر قلع و قم آنها مأمور ساخت. درست است که آنها از عواقب تسلیمی و کنار رفتن از جنگ، آگاه بوده و اجباراً دست به مقاومت زدند ولی نتیجه درخشانی نصیب شان نشده و پس از دادن تلفات، سرانجام در یک گوشه کشور محصور ماندند. تا آنکه پس از حادثه سپتمبر یازده، قوت های خارجی به داد آنها رسید.

نمایندگان این گروهها، امروز اراکین دولت بوده و موقعیت های با اهمیتی را در قوای ثلاثه دولت بدست دارند. اینکه آنها علی الرغم تجاوزات آشکار نظامیگران پاکستان، باز هم روی منافع ملی افغانستان با اسلام آباد به معامله گری متوسل میشوند، غیر از مساعد ساختن مجدد زمینه های تعرض پاکستان، دست آورد دیگری نصیب شان نخواهند شد. پاکستان هیچگاه بالای آنها اعتماد نکرده و از آنها صرفاً من حیث "وسیله" در مناقشات روی شناخت خط دیورند استفاده میکند.

پاکستان در پی پیشبرد عمق ستراتیژیک در افغانستان است. مبرهن است که با بلند شدن دست پاکستان در منطقه و سرکوب و طردخواهان افغان، گروههای تندرو، جان تازه می یابند. در آنصورت انتشار بنیاد گرایی و عملیات تروریستی نه تنها در افغانستان بلکه در کشور های ماحول و نزدیک افغانستان نیز تشدید می یابد.

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

درین کشور ها، زمینه های بالقوه رشد این پدیده وجود دارد. حتی احتمال در گیر شدن دولت چین با گروه های افراطی در جنوب آنکشور (ایالت سینکیانگ) موجود بوده و شاید روسها هم مجدداً بخاطر زیر کنترل در آوردن افراط گرایان چین مصرف شوند. در آنصورت، هردو کشور زمینه های رشد تجارت شانرا در مناطق مسلمان نشین آسیای میانه، از دست خواهند داد.

درست است که تجارت کشورهای غربی هم به ارتباط مارکیت های آسیای میانه صدمه خواهد دید، اما خطرات تهاجمی در خود این کشورها، به مقایسه چین و روسیه ناچیز می باشد. زیرا زمینه های بالقوه برای پیدایش این پدیده خراب کن در آن جوامع وجود ندارد.

بناءً موقف روسیه و چین در رابطه به تداوم وجود قوت های ناتو و بخصوص امریکا در افغانستان دوپهلوی و حتی متضاد است. از یکطرف هردو کشور بنا بر مصلحت های ملی شان طرفدار درگیر بودن قوت های غربی با گروه های تندرو، و بالنتیجه سرکوب آنها بوسیله نیروهای غربی اند. تا از عکس العمل حامیان این گروهها در داخل جوامع خود در امان باشند. اما از جانب دیگر آنها نمی خواهند که امریکا در قرب و جوار ایشان به تأسیس پایگاه های همیشگی در نقاط ستراتیژیک افغانستان، مبادرت ورزد. زیرا چنین پایگاه ها در آینده، با سیاست توسعه طلبی آنها (بخاطر ابر قدرت شدن) در تقابل قرار میداشته باشد.

از اظهارات اخیر آقای کرزی چنین بر میآید که ایالات متحده امریکا طرفدار برچیدن منازعه موجود در افغانستان نیست. او در یک اجتماع بزرگ گفت: " امریکا دزد را میگوید دزدی کن و صاحب خانه را میگوید هوشیار باش". اگر این اظهارات قرین به حقیقت باشد، پس مقصد آن کشور از تداوم این معضله چیست؟

بخاطر غلبه بر این اوضاع سردرگم چی باید کرد؟

بخاطر شناخت "اوضاع سردرگم" موجود و درک ابعاد و جوانب آن، باید تحقیقات وسیع و دنباله دار صورت گیرد. اما در اینجا بطور ارتجالی روی چند نکته ذیل مکث می شود:

- نظریه پردازی ها از دیدگاه های گروهی و قومی ، بار را به منزل برده نمی تواند. آگاهان کشور ما باید اوضاع موجود را از زاویه منافع ملی مردم شان به بررسی بگیرند. آنها باید با همدیگر روی نتایج تحقیقات شان به گفت و گو بنشینند و مساعدت ها و ممانعت های اصلی و واقعی را با همدیگر در میان بگذارند.

- آنها می توانند مطابق به نتایج حاصله از چنین مباحثات، با حفظ طرز دید و تشکیلات سیاسی مورد علاقه خود، وجوه مشترک را در میان خود بیابند. تا منحنی عناصر متشکله یک نیروی ملی، از طریق دیالوگ بین الافغانی به یک پلاتفورم ملی نایل آیند.

- از چنین یک پلاتفورم قابل قبول همگانی، هیچ فردی نباید عدول ورزد. اگر فردی و یا گروهی تخطی کرد، باید از صف ملی اخراج گردیده و انگیزه عدول وی برای همه افشاء گردد.

- یک شخص و یا یک تشکیل سیاسی می تواند راههای متفاوت رسیدن به منافع عالیای کشور را در پیش گیرد، اما این راهها نباید ناقص پلاتفورم قبول شده ملی باشد.

- در بخش سیاست خارجی، بانیست تمام احزاب سیاسی و انجمن های اجتماعی از مشی واحدی در مطابقت با منافع ملی مردم افغانستان دفاع نمایند. ولی در عرصه سیاست داخلی می توانند راهها و طروق متفاوت را بخاطر استقرار یک نظام قابل قبول همگانی مطرح نمایند.

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

- کسانی که در گذشته، مبتنی بر اراده شخصی و یا تصمیم گروهی که به آن متعلق بوده اند، از شبکه های خارجی، پول و سلاح دریافت کرده و آنرا علیه تأسیسات عامه و هموطنان شان بکار برده اند، اکنون باید ملت افغان را مطمئن سازند که دوباره با چنین شبکه ها در ارتباط نبوده و تماس نمیگیرند.

- تماس با اورگانهای نظامی و دولتی خارجی باید تنها و تنها از طریق چینل های رسمی دولت افغانستان برقرار گردیده و متن ملاقات ها درج پروتوکول شود. در غیر آن هر فردی که بدون آگاهی دولت، به چنین تماس ها میپردازد، باید عملش بررسی و مورد موأخذه قرار گیرد.

- گماریدن چنین افراد در پست های مهم دفاعی و امنیتی، هیچ مشکلی را حل نکرده و وضع را هنوز هم سردرگم می سازد.

پایان

ⁱ - اظهارات ولادیمیر کولوکولتسیف ، وزیر داخله روسیه در وسط سپتمبر ۲۰۱۳ ، سایت بی بی سی -

ⁱⁱ - اظهارات آقای رسول سیاف (وکیل پارلمان) در مراسم نهم سپتمبر ۲۰۱۳ -

ⁱⁱⁱ - اظهارات رئیس جمهور کرزی پس از حمله راکتی قوای امریکا به قلمرو پاکستان و کشته شدن ۲۴ سرباز پاکستانی در نواحی نزدیک به سرحدات شرقی افغانستان (دوسال قبل) -

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ